

رابطه سلامت خانواده و صفات شخصیت با نگرش به رفتارهای بزهکارانه در دانش آموزان

فریبا احمدی دریاکناری^۱، فاطمه کریمی^۲

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ عضو هیئت علمی گروه مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارتباط بین سلامت خانواده و صفات شخصیت با نگرش به رفتارهای بزهکارانه در نمونه‌ای از دانش‌آموزان شهرستان رشت انجام شد. پژوهش از نوع توصیفی-مقطعی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان رشت در فاصله سنی ۱۵ تا ۱۸ سال در سال ۱۳۹۵ بودند. نمونه‌ای به حجم ۳۷۵ نفر از دانش‌آموزان بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس پنج عاملی نئو (NEO-FFI-R)، مقیاس خانواده‌ی اصلی و پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه (۱۳۸۹) استفاده شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-18 استفاده شد و نتایج در قالب آمار توصیفی و استنباطی گزارش شد. یافته‌ها نشان داد که نگرش به رفتارهای بزهکارانه با سلامت خانواده ($P < 0/01$)، برون‌گرایی ($0/01 < P$)، توافق‌پذیری ($P < 0/01$)، انعطاف‌پذیری ($P < 0/05$) و وجدانی‌بودن ($P < 0/01$) همبستگی منفی و معنادار دارد. در مقابل نگرش به رفتارهای بزهکارانه با متغیر روان‌رنجورخویی همبستگی مثبت دارد ($P < 0/01$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که متغیرهای پیش‌بین در دو گام رگرسیون ۰/۲۷ از واریانس نگرش به رفتارهای بزهکارانه در دانش‌آموزان را به‌طور معنادار در سطح معناداری ($P < 0/01$) پیش‌بینی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: نگرش به رفتارهای بزهکارانه، بزهکاری، سلامت خانواده، صفات شخصیت.

مقدمه

بزهکاران نوجوان کسانی هستند که به اعمال خلاف قانون می‌پردازند. دستگیری‌های پلیس و گزارش‌های شخصی نشان می‌دهد که بزهکاری در طول نوجوانی افزایش می‌یابد و بعد در اوایل بزرگسالی کاهش می‌یابد. در واقع رفتارهای ضد اجتماعی در نوجوانان به خاطر تمایل به تایید همسالان افزایش می‌یابد. با گذشت زمان، همسالان کمتر با نفوذ می‌شوند، استدلال اخلاقی به تکامل می‌رسد و نوجوانان وارد موقعیت‌های اجتماعی مانند ازدواج و کار می‌شوند که کمتر قانون شکنی را در پی دارد (برک، ۱۳۹۱). عوامل اقتصادی و فقر، عامل پس افتادگی فرهنگی و پیشرفت تکنولوژی، شهرنشینی، تراکم و افزایش جمعیت، حوادث غیرمنتظره از قبیل جنگ و زلزله، وسائل ارتباطات جمعی همچون مطبوعات و رسانه‌ها و ضعف بنیه اخلاقی و اعتقادی، علل اجتماعی بزهکاری محسوب می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۷). تحلیل تبه‌کاری نوجوانان و جوانان معمولاً کار سهل و ساده‌ای نیست. با این که جرم به معنی زیر پا گذاشتن قانون است، تبه‌کاری نوجوانان و جوانان اغلب به معنی فعالیت‌هایی است، که به بیان دقیق، اصلاً جرم نیست. رفتارهای ضد اجتماعی، خرده فرهنگ‌ها و ناهمنوایی جوانان شاید بزهکاری تلقی شود، اما در واقع این عمل‌ها مجرمانه نیستند (گیدنز، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر صرفاً بر نگرش مثبت نوجوانان به انجام رفتارهای بزهکارانه تمرکز شده است که می‌تواند یک عامل پیش بین در اقدام نوجوانان به اینگونه رفتارها باشد.

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی است که تکوین و پرورش شخصیت افراد در آن شکل می‌گیرد (فرجاد، ۱۳۷۷). برای اینکه خانواده بتواند کارکردهای اصلی خود را به خوبی انجام دهد، لازم است امنیت و آرامش در آن وجود داشته باشد. واقعیت این است که در فرایند چرخه‌ی زندگی خانواده مسایل و مشکلاتی بوجود می‌آید که آرامش آن را هر چند برای مدت کوتاهی سلب می‌کند. این مسایل در سطح خرد مربوط به ساختارها و کارکردهای نهاد خانواده و در سطح کلان مربوط به ساختارهای اجتماعی است. تغییر و تحولاتی که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع بوجود می‌آید، نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند (رویتر، ۲۰۰۴).

معمولاً والدین، هم مسئول فرزندان مودب، با صلاحیت، سازگار و درس خوان به حساب می‌آیند و هم مسئول فرزندان بزهکار، درس نخوان و عصبی شناخته می‌شوند. البته تأثیر والدین بر فرزندان در زمینه گسترده تری مطرح می‌شود. یعنی روابط بین فرزندان و والدین و حتی سایر اعضای خانواده را می‌توان به عنوان شبکه‌ای از بخش‌هایی دانست که در کنش متقابل از یکدیگر قرار می‌گیرند (صادقی و حسینی، ۱۳۹۱). صفات شخصیت از دیگر عوامل مؤثر در گرایش جوانان به رفتارهای بزهکارانه می‌باشد. برای توصیف شخصیت هر کسی معمولاً به ویژگی‌های شخصی او، یعنی به صفاتی از قبیل باهوش بودن، برونگرایی و وجدانی بودن و نظایر آن اشاره می‌شود (هیلگارد، ۱۳۸۵).

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرزندان است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و خط مشی زندگی آینده آنها دارد (احدی و محسنی، ۱۳۸۱). اولین محیطی که زمینه بزهکاری را در فرد ایجاد می‌کند خانواده است. معمولاً بزهکاران از خانواده‌های آشفته و از هم پاشیده بر می‌خیزند و جدایی و طلاق، الکلیسم، اعتیاد و بزهکاری در خانواده آنان شایع است (احمدی، ۱۳۸۷). چون خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که اولین رکن رشد و پرورش به شمار می‌رود، به همین دلیل هرگونه اختلالی در خانواده، در فرزندان نیز رسوخ می‌کند و موجبات انحراف آنها را از قوانین و مقررات فراهم می‌سازد (اکبری، ۱۳۸۷).

خانواده، گروه کوچکی است که ویژگی‌های اساسی و غیر قابل تفکیک آن صمیمت آن است. اجتماعی کردن نسل آینده جزء بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین وظایف خانواده است (روزن باوم، ۱۹۷۳). محبت موجب استواری کانون خانوادگی است، نفرت در جهت معکوس آن جریان دارد و متضمن نفاق و جدایی و مخاصمه و جدال است. هنگامی که نفرت و اختلاف عمیق و مخاصمه به کانونی راه یافت، بقای نظم خانوادگی بین افراد آن متزلزل و دشوار می‌شود. امروزه با پیشرفت سریعی که در تمام زمینه‌ها نصیب جرم‌شناسی شده است، هم در مورد فرد تحقیقات لازم به عمل می‌آید و هم جرم و عوامل مؤثر بر آن مورد نظر قرار می‌گیرد یعنی در حقیقت علم جرم‌شناسی شامل بررسی‌های جرم و مجرم شده است (صدیق، ۱۳۷۶).

¹Berk²Ruiter³Hilgard⁴Ruzen Bum

سلامت خانواده از جمله موضوعاتی می‌باشد که در نظریات گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اما در یک تعریف کلی می‌توان گفت که خانواده سالم یک ساختار پویا و پیچیده است که اعضای آن به صورت مشترک و با داشتن مرزهایی مشخص و انعطاف پذیر با یکدیگر در ارتباط می‌باشند و دارای یک ارتباط سازنده با بسترهای اجتماعی هستند (دنهام^۴، ۱۹۹۹). به طور کلی منظور از سلامت وضعیتی است که در آن فرد یا سیستم از ظرفیت بهینه برای انجام وظایف مهم و عملکرد موثر برخوردار است. سلامت به نبود آسیب آشکار و وجود برخی عملکردهای ایده آل یا بهینه در طول زمان اشاره دارد. بنابراین خانواده سالم الزاماً طبیعی یا حتی فاقد ویژگی‌های منفی نیست، بلکه ویژگی‌های مثبت و اساسی را در کنار تعداد کمی از ویژگی‌های منفی، از خود نشان می‌دهد (نیلفروشان و همکاران، ۱۳۹۳).

صفات شخصیت از دیگر عوامل موثر در گرایش جوانان به رفتارهای بزهکارانه می‌باشد. برای توصیف شخصیت هرکسی معمولاً به ویژگی‌های شخصی او، یعنی به صفاتی از قبیل باهوش بودن، برونگرایی و وجدانی بودن و نظایر آن اشاره می‌شود (هیلگارد^۵، ۱۳۸۵). شخصیت، بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فرد شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری است (پروین، ۱۳۸۶). در پژوهش‌ها مشخص شد که، ویژگی‌های شخصیتی پیش بینی کننده ی رفتارهای بزهکارانه و گرایش نوجوانان به سوء مصرف مواد می‌باشد (اسکادل^۶ و همکاران، ۲۰۰۷).

می‌توان این ادعا را بیان نمود که برخی از تیپ‌های شخصیتی و ویژگی‌های منحصر به فرد مرتبط با هریک از آنها در میان افراد بزهکار شیوع و فراگیری بیشتری دارد (اسکادل و همکاران، ۲۰۰۷). به گونه‌ای برخی از آنها نیز جنبه مرضی به خود می‌گیرند، تعیین دقیق تر الگو-های شخصیتی که با بزهکاری و ارتکاب به جرائم نزدیکی بیشتری دارند، ما را به شناخت عمیق تر عوامل موثر در بروز بزه یاری می‌رساند. در رابطه با تاثیرگذاری عوامل و ویژگی‌های شخصیتی در مطالعه فراتحلیلی که توسط باگ و رابرتز^۷ در سال ۲۰۰۴ انجام گرفت مشخص شد همواره میان ویژگی‌های صفت وجدان گرایی و صفات مرتبط با آن با رفتارهای پرخطر رابطه منفی وجود دارد و همینطور رابطه مثبتی با رفتارهای سالم و کارآمد نشان می‌دهد.

ویژگی‌های شخصیتی را می‌توان به عنوان ابعاد تفاوت‌های فردی در قالب الگوهای پایدار تفکر، احساس و رفتار تعریف نمود (جانویک^۸ و همکاران، ۲۰۱۱). روانشناسان پس از چندین دهه تلاش، شخصیت را در پنج عامل بزرگ خلاصه کردند. نظریه پنج عاملی شخصیت که به پنج عامل بزرگ نیز معروف است، از سوی دو روان شناس آمریکایی به نام کاستا و مک کری، در اواخر دهه ۸۰ میلادی ارائه و در اوایل دهه ۹۰ مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. پنج عامل شخصیت معروف عبارتند از: ۱- روان رنجورخویی^۹؛ ۲- برونگرایی^{۱۰}؛ ۳- انعطاف پذیری^{۱۱}؛ ۴- توافق پذیری^{۱۲} و ۵- وجدانی بودن^{۱۳} (پروین، ۱۳۸۶).

^۴Denham

^۵Hilgard

^۶Skadel

^۷Bug and Rubertez

^۸Javanoek

^۹Neuroticism

^{۱۰}Extraversion

^{۱۱}Openness

^{۱۲}Agreeableness

^{۱۳}Conscientiousness

بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده است که در محیط های اجتماعی مختلف به شکل های متفاوتی دیده می شود. تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می شود. اگر چه در بیشتر جوامع، بزه به عنوان رفتاری قابل تبییه از طرف قانون تعریف شده است، اما صرفاً در تبیین آن، مفهوم حقوقی و اجتماعی مسئله کافی نیست (مشکانی و رضوی، ۱۳۸۵).

اصغری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان نقش نظارت والدینی و خودکارآمدی در هم نشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر دانش آموزان دبیرستانی نشان دادند که بین نظارت والدینی و خودکارآمدی با همنشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر رابطه منفی معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که نظارت والدینی و خودکارآمدی می توانند ۲۱ درصد از واریانس همنشینی با همسالان بزهکار و ۳۴ درصد از واریانس رفتارهای پرخطر را پیش بینی نمایند. حسینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش آموزان نشان دادند که بین سبک فرزند پروری اقتدار منطقی با نگرش منفی به بزهکاری و بین سبک های فرزند پروری استبدادی و سهل گیرانه با نگرش مثبت به بزهکاری، رابطه مثبت معنادار به دست آمد. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که خودکارآمدی و سبک های فرزند پروری سهل گیرانه و استبدادی می توانند به طور معناداری ۱۱ درصد از واریانس نگرش مثبت به بزهکاری را پیش بینی کنند.

اکسیون و هانگ^۵ (۲۰۱۱) در پژوهشی عواملی که در بروز رفتار های بزهکارانه در جوانان دختر و پسر نقش دارند را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که نگرش ضد اجتماعی، موفقیت تحصیلی و فقدان کنترل و نظارت والدین، سه متغیری هستند که به طور معناداری با ضریب اطمینان بسیار بالایی احتمال درگیر شدن جوانان به اعمال بزهکارانه را افزایش می دهد. چینگ^۶ و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی خود اثر حمایت های اجتماعی و اضطراب و جو عاطفی حاکم بر خانواده را بر رفتارهای ۱۱۵ نفر از نوجوانان تایلندی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که بین حمایت اجتماعی با اضطراب رابطه معکوس وجود دارد. بین جو عاطفی خانواده و حمایت اجتماعی رابطه معناداری دیده شد.

از آنجائیکه پیشرفت و ترقی هر جامعه ای در گرو سلامتی آن جامعه از هر نظر می باشد، لذا تحقیق در مورد پدیده بزهکاری نوجوانان برای علت یابی جرائم و خطاها بسیار رهگشا می باشد تا از این طریق بتوان کمبودها و نارسائی ها را دریافت و در صدد رفع این مشکلات اقدام نمود. همچنین می توان گفت که از این طریق شاید بتوان مشکلات جامعه و خصوصاً نسل نوجوان که می توان گفت حساس ترین نقطه انعطاف پذیر یک جامعه است را به نحوی رفع نمود تا آنجا که بتوان از این راه یک استراتژی برای پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی جامعه اتخاذ نمود (محمدی، ۱۳۹۴).

بر این اساس توجه به متغیرهای روانشناختی همچون نقش سلامت خانواده و صفات شخصیت در تبیین نگرش جوانان به رفتارهای بزهکارانه می تواند روشنگر بعد موثری در تبیین این آسیب اجتماعی باشد. نهاد خانواده موثرترین عامل در رشد شخصیت و سلامت فرزندان است، صفات شخصیت نیز از جمله تعیین کننده در گرایشات و تمایلات افراد می باشند، بر این اساس به نظر می رسد که بررسی این متغیرها در جهت پیش بینی نگرش جوانان به رفتارهای بزهکارانه می تواند روشنگر بعد موثری در پژوهش های پیشگیرانه در حوزه آسیب های اجتماعی و رفتارهای بزهکارانه باشد. همچنین در ارتباط با متغیرهای تحقیق مطالعاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده است اما مطالعه ای که به صورت همزمان در یک پژوهش این متغیرها را تحت پوشش قرار دهد یافت نشد. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف پیش بینی نگرش مثبت دانش آموزان به رفتارهای بزهکارانه بر اساس متغیرهای سلامت خانواده و صفات شخصیت در شهر رشت انجام شد.

^۵Xion and Haung

^۶Cheng

روشن‌شناسی

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش مطالعه پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت این پژوهش که به دنبال بررسی رابطه بین صفات شخصیت و سلامت خانواده با نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان است، روش توصیفی-مقطعی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان رشت (حدود ۱۸۸۰۰ نفر) در فاصله سنی ۱۵ تا ۱۸ سال در سال ۱۳۹۵ بودند. نمونه‌ای به حجم ۳۷۵ نفر از دانش‌آموزان بر اساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. به منظور نمونه‌گیری، ابتدا در شهر رشت بر حسب نواحی آموزش و پرورش که دو ناحیه می‌باشد، ناحیه یک آموزش و پرورش به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس کلیه مدارس دخترانه و پسرانه مقطع متوسطه دوره دوم در یک لیست نوشته شدند، سپس از بین کلیه مدارس، یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه به طور تصادفی انتخاب شد، سپس دانش‌آموزان بر حسب مقطع تحصیلی (اول، دوم و سوم دوره دوم متوسطه) خوشه بندی شدند و بر حسب تصادف از این خوشه‌ها نمونه‌گیری انجام گرفت. در برخی از پژوهش‌ها به علت بالا بودن تعداد اعضای جامعه و تدابیر امنیتی و محرمانه بودن اطلاعات شخصی، امکان تهیه لیست از اعضای جامعه تحقیق امکان پذیر نیست. کاملاً روشن است که در چنین شرایطی پژوهشگر نمی‌تواند از روش تصادفی ساده، منظم یا طبقه‌ای استفاده کند. روش خوشه‌ای، موارد استفاده زیادی در مدارس دارد (دلاور، ۱۳۹۱). در این روش نمونه‌گیری، یک نمونه تصادفی از گروه‌ها یا خوشه‌هایی از افراد و نه واحدهای منفرد گرفته می‌شود به عبارت دیگر واحدهای نمونه‌گیری خوشه‌هایی هستند نظیر خانواده‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، بلوک‌های شهری، دهکده‌ها و غیره. در این‌جا فهرستی از خوشه‌ها تهیه کرده و به روش تصادفی از بین آنها نمونه را انتخاب می‌کنیم سپس افرادی را که در هر یک از خوشه‌ها قرار دارند مطالعه می‌کنیم (دلاور، ۱۳۹۳). دانش‌آموز بودن، فاصله سنی ۱۵ تا ۱۸ سال، رضایت آگاهانه جهت تکمیل پرسشنامه‌ها و نداشتن سابقه کیفری در افراد نمونه پژوهش از معیارهای ورود و خروج پژوهش حاضر بود.

ابزارهای پژوهش

به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه‌های زیر استفاده خواهد شد.

مقیاس پنج عاملی نئو (NEO-FFI-R): در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری پنج عامل بزرگ شخصیت از پرسش‌نامه پنج عاملی نئو استفاده خواهد شد (کاستا و مک کی، ۱۹۹۲). این پرسشنامه فرم کوتاه پرسشنامه تجدید نظر شده پنج عامل بزرگ شخصیت است که از لحاظ روایی و پایایی، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. پرسش‌نامه پنج عاملی نئو بیشترین و وسیع‌ترین کاربرد را در زمینه سنجش پنج عامل بزرگ شخصیت داشته و از حمایت‌های تجربی گسترده برخوردار است (کاستا و مک کی، ۱۹۹۲). مزیت استفاده از این پرسشنامه در این است که اجرای آن به زمان کمتری نیاز دارد و همچنین آزمودنی‌ها برای پاسخ به این پرسشنامه احساس خستگی زیادی نمی‌کنند. این پرسشنامه از ۶۰ گویه بر اساس مقیاس لیکرت (۱، کاملاً موافقم و ۵، کاملاً مخالفم) تشکیل شده است که هر ۱۲ گویه آن یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت (برون‌گرایی E، توافق‌پذیری A، وظیفه‌شناسی C، روان‌رنجوری N و تجربه‌پذیری O) را اندازه می‌گیرد. نمرات هر عامل جداگانه محاسبه می‌شود و در نهایت پنج نمره بدست می‌آید. همسانی درونی این آزمون، در نمونه ایالات متحده برای عوامل N، E، O، A و C به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۷، ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۸۶ بوده است. در ایران نیز گروسی فرشی (۱۳۸۰) ساختار ۵ عاملی این پرسش‌نامه را به صورت کلی تأیید کرده و ضرایب همسانی درونی آن را، به روش آلفای کرونباخ برای عوامل اصلی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ گزارش کرده است. همچنین در ایران خانجانی و اکبری (۱۳۹۰) همسانی درونی این ابزار را در نمونه‌ای از دانش‌آموزان شهر تبریز بدین صورت گزارش کرده‌اند: روان‌نژندی (۰/۷۴)، برون‌گرایی (۰/۷۰)، انعطاف‌پذیری (۰/۶۸)، دلپذیر بودن (۰/۶۱) و باوجدان بودن (۰/۷۷).

مقیاس خانواده‌آصلی: این مقیاس به منظور سنجش سلامت خانواده اصلی تدوین شده است. این مقیاس دارای ۴۰ سوال در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) می‌باشد. حداقل نمره در این آزمون ۴۰ و حداکثر ۲۰۰ می‌باشد. هر چه نمره فرد در این آزمون بیشتر باشد به این معناست که ادراک فرد از سلامت خانواده خود بیشتر است. شفافیت در ارتباطات، مسئولیت‌پذیری،

۱۳ Costa and McCrae

احترام به دیگر اعضا، باز بودن نسبت به دیگر اعضا، پذیرش جدایی و تحمل شکست به عنوان معیارهای خانواده سالم در نظر گرفته شده اند و این ابزار آنها را مورد سنجش قرار می دهد. بر اساس این الگو خانواده سالم، خانواده‌ای است که صمیمیت در آن ایجاد می شود. این آزمون دارای روایی سازه مبتنی بر نظریه سلامت خانواده می باشد و روایی آن با استفاده از تحلیل عاملی تایید شده است. طراحان این آزمون همسانی درونی آن را ۰/۹۵ کرونباخ آلفا گزارش کرده اند (هوستادت^{۱۸} و همکاران، ۱۹۸۵) ویژگی های روانسنجی این آزمون در ایران مورد بررسی قرار گرفته شده است. روایی این آزمون به روش تحلیل عاملی تایید شده است و پایایی آن به روش باز آزمایی ۰/۸۹ گزارش شده است (کریمی، ۱۳۹۰).

پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه (۱۳۸۹): این پرسشنامه با هدف سنجش نگرش به رفتارهای بزهکارانه توسط وحید فضلی در سال ۱۳۸۹ برای نوجوانان ۱۵ الی ۱۸ سال تهیه شده است، که ۲۸ ماده دارد و بر اساس لیکرت ۴ عامل نمره گذاری می شود. جهت حصول اطمینان از روایی پرسشنامه، عبارات آن به افراد صاحب نظر در رابطه با موضوع مورد مطالعه (استادان رشته های روانشناسی، جرم شناسی، و جامعه شناسی) ارائه گردید و بر اعتبار آن صحنه گذاشته شد. این ابزار جهت سنجش نگرش مثبت به رفتارهای بزهکارانه مورد استفاده قرار می گیرد. در طی یک بررسی، سوالات به صورت آزمایشی بر روی ۲۰۰ نفر از دانش آموزان مدارس دولتی شهر تهران اجرا گردید و همسانی درونی آن به روش کرونباخ آلفا ۰/۷۱ محاسبه شده است. در پژوهش دیگری میزان همسانی درونی این آزمون ۰/۸۶ محاسبه شده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده خواهد شد و نتایج در قالب آمار توصیفی و استنباطی گزارش می شود. به منظور سنجش میزان همبستگی بین متغیرهای تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده خواهد شد و به منظور بررسی نرمال بودن داده ها جهت اجرای آزمون رگرسیون از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف تک نمونه ای استفاده خواهد شد و جهت پیش بینی سهم متغیرهای پیش بین در پیش بینی واریانس نگرش مثبت به رفتارهای بزهکارانه در دانش آموزان از آزمون رگرسیون خطی چند متغیره به روش گام به گام استفاده خواهد شد.

نتایج

با توجه به اینکه نمونه پژوهش ۳۷۵ نفر در نظر گرفته شده بود، اما به منظور کم اثر کردن ریزش در نمونه گیری در زمان اجرا ۴۰۰ نمونه انتخاب شد. داده‌های بدست آمده از ۳۶۳ نفر در چند مرحله به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفتند: الف) بررسی صحت ورود داده‌ها؛ ب) بررسی داده‌های مفقود شده: پس از بررسی داده‌های مفقود شده، ۳۷ نفر که بیشتر از یک سوم سوالات را پاسخ نداده بودند از مجموع داده‌های تحلیلی حذف شدند؛ آنگاه برای جایگذاری داده‌های خام نامشخص با روش حداکثر محتمل به تخمین داده‌های مفقود باقیمانده اقدام گردید. ج) بررسی داده‌های پرت: پس از بررسی داده‌های مفقود شده، ۳۵۰ نفر برای تحلیل داده‌ها باقی ماند که پس از بررسی داده‌های پرت، نمره یک نفر که تفاوت زیادی با سایر داده‌ها داشت، از مجموع داده‌های تحلیلی حذف شد. نهایتاً، داده‌های بدست آمده از ۳۴۹ نفر که داده‌های سالم بودند برای تحلیل نهایی آماده شدند. شرکت کنندگان در دامنه سنی ۱۸-۱۵ سال بیشترین شرکت کننده‌ها ۱۵ ساله (۲۸/۰۸ درصد) و کمترین شرکت کننده‌ها ۱۷ ساله (۲۲/۶۳ درصد) قرار داشتند. ۱۶۰ نفر از شرکت کنندگان پسر و ۱۸۹ نفر دختر بودند. پیش از بررسی فرضیه‌های پژوهش، فراوانی، کمترین، بیشترین، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای نگرش به رفتارهای بزهکارانه، سلامت خانواده و صفات شخصیت روان رنجور خوبی، برونگرایی، توافق پذیری، انعطاف پذیری و وجدانی بودن در جدول ۱ گزارش شده است.

^{۱۸} Hovestadt

جدول ۱: فراوانی، کمترین، بیشترین، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای نگرش به رفتارهای بزهکارانه، سلامت خانواده و صفات شخصیت روان رنجور خوبی، برونگرایی، توافق پذیری، انعطاف پذیری و وجدانی بودن

متغیر	فراوانی	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	واریانس
نگرش به رفتارهای بزهکارانه	۳۴۹	۰	۵	۲/۰۲	۰/۰۹	۰/۰۰۹
سلامت خانواده	۳۴۹	۱	۵	۲/۹۶	۰/۱۸	۰/۰۳۵
روان رنجوری خوبی	۳۴۹	۰	۵	۱/۹۷	۰/۲۲	۰/۰۵۰
برونگرایی	۳۴۹	۰	۴	۲/۰۶	۲/۸۳	۰/۰۹۹
توافق پذیری	۳۴۹	۰	۵	۱/۸۱	۰/۲۷	۰/۰۷
انعطاف پذیری	۳۴۹	۰	۵	۲/۳۸	۰/۴۱	۰/۱۷
وجدانی بودن	۳۴۹	۰	۵	۱/۹۷	۰/۲۹	۰/۰۸۸

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد هر یک از متغیرهای پژوهش را بر اساس لیکرت درجه بندی شده نشان می‌دهد. همچنین جدول فوق شاخص‌های مربوط به کمترین و بیشترین همه متغیرها را نشان می‌دهد. در ادامه به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: بین سلامت خانواده و صفات شخصیت با نگرش به رفتارهای بزهکارانه در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. برای پاسخ به فرضیه اصلی پژوهش: "بین سلامت خانواده و صفات شخصیت با نگرش به رفتارهای بزهکارانه در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد" از روش تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره به روش گام به گام استفاده شد. نتایج در ادامه گزارش شده است. به منظور اینکه سهم هر یک از متغیرهای ویژگی‌های شخصیت و سلامت خانواده در پیش بینی نگرش به رفتارهای بزهکارانه مشخص شود از رگرسیون گام به گام استفاده شد. در واقع عملکرد رگرسیون پیش بینی می‌باشد و این نوع رگرسیون سهم هر یک از متغیرهای پیش را در پیش بینی متغیر ملاک از بیشترین به کمترین مشخص می‌کند که کدام متغیر بیشترین سهم را در پیش بینی دارد. بر اساس ادبیات پژوهشی و مبانی نظری، در این مطالعه متغیر نگرش به رفتارهای بزهکارانه به عنوان متغیر وابسته یا ملاک و متغیرهای سلامت خانواده و صفات شخصیت به عنوان متغیر مستقل یا پیش بین در نظر گرفته شده اند. با معرفی مفروضه‌های رگرسیون خطی به آزمون آنها پرداخته می‌شود در صورتی که مفروضه‌های زیر برقرار باشند می‌توانیم از آزمون رگرسیون برای تحلیل داده‌های این مطالعه استفاده کنیم:

بین خطاهای مدل، همبستگی وجود نداشته باشد. برای بررسی این مفروضه از آزمون دوربین- واتسون استفاده شد. از آنجایی که آماره دوربین واتسون (۲/۰۱) در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد، خلاصه مدل در جدول ۲ گزارش شده است. با توجه به این نتیجه می‌گیریم که بین خطاها همبستگی وجود ندارد و می‌توانیم از رگرسیون استفاده کنیم.

^۱Minimum

^۲Maximum

میانگین و انحراف استاندارد بر اساس مقیاس اندازه گیری (لیکرت‌های درجه بندی شده) گزارش شده اند.

جدول ۲: خلاصه مدل جدول آماره دوربین واتسون

مدل	متغیر	۱ همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	آماره دوربین واتسون
۱	روان رنجور خوبی	۰/۴۲۱	۰/۱۷۷	۰/۱۷۵	۲/۰۱
۲	سلامت خانواده	۰/۵۲۰	۰/۲۷۱	۰/۲۶۷	

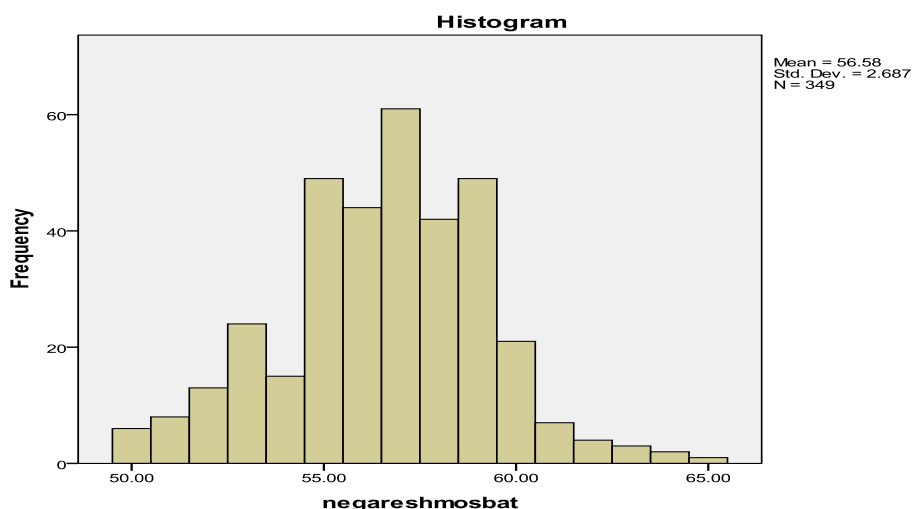
متغیر وابسته دارای توزیع نرمال باشد. برای بررسی این مفروضه از نمودار خطی استفاده شد. نتایج نشان داد که متغیر وابسته تقریباً دارای توزیع نرمال است. همچنین جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون گرموگوروف-اسمیرنف و آزمون شاپیرو-ویلک استفاده شد که جزئیات نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است. نتایج نشان داد که همه متغیرها در سطح ۰/۰۵ دارای توزیع نرمال می‌باشند. به عبارت دیگر هیچ یک از متغیرها معنادار نبوده اند. بنابراین می‌توانیم از رگرسیون استفاده کنیم.

جدول ۳: نتایج آزمون گرموگوروف-اسمیرنف و آزمون شاپیرو-ویلک

متغیرها	گرموگوروف-اسمیرنف			شاپیرو-ویلک		
	آماره	درجه آزاده	سطح معناداری	آماره	درجه آزاده	سطح معناداری
نگرش به رفتارهای بزهکارانه	۰/۱۳۷	۳۴۹	۰/۱۵۸	۰/۹۴۷	۳۴۹	۰/۱۴۰
سلامت خانواده	۰/۱۵۸	۳۴۹	۰/۰۵۵	۰/۹۳۳	۳۴۹	۰/۰۵۹
روان رنجوری خوبی	۰/۱۴۹	۳۴۹	۰/۰۸۶	۰/۹۴۵	۳۴۹	۰/۱۲۳
برونگرایی	۰/۱۲۶	۳۴۹	۰/۲۰۰	۰/۹۶۷	۳۴۹	۰/۴۵۴
توافق پذیری	۰/۱۱۸	۳۴۹	۰/۲۰۰	۰/۹۶۵	۳۴۹	۰/۴۲۱
انعطاف پذیری	۰/۱۳۹	۳۴۹	۰/۱۴۵	۰/۹۵۶	۳۴۹	۰/۲۴۲
وجدانی بودن	۰/۱۵۸	۳۴۹	۰/۰۵۳	۰/۹۵۱	۳۴۹	۰/۱۷۷

توزیع خطاها دارای توزیع نرمال باشد. برای بررسی این مفروضه برای متغیر ملاک (نگرش به رفتارهای بزهکارانه) از نمودار هیستوگرام استفاده شد. با بررسی نمودار توزیع نرمال مشاهده می‌شود، توزیع خطاها تقریباً نرمال است، پس می‌توانیم از رگرسیون استفاده کنیم. با توجه به اینکه شاخص‌های مربوط به چولگی و کشیدگی متغیر نگرش به رفتارهای بزهکارانه به ترتیب $-۰/۱۱۸$ و $۰/۱۵۱$ می‌باشد و از مرز ± ۲ عبور نکرده است و بر این ادعا صحت گذاشته می‌شود و دلالت بر این دارد که توزیع داده‌ها برای متغیر ملاک نرمال می‌باشد. نتایج در نمودار ۱ گزارش شده است.

نمودار ۱: توزیع خطاهای متغیر ملاک (نگرش به رفتارهای بزهکارانه)



پس از بررسی برقرار بودن مفروضه‌های استفاده از تحلیل رگرسیون برای پاسخ به فرضیه اصلی پژوهشی از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج در جداول ۴ و ۵ ارائه شده است.

جدول ۴: خلاصه نتایج مدل رگرسیون گام به گام نگرش مثبت به رفتارهای بزهکاران بر اساس متغیرهای سلامت خانواده و صفات شخصیت

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	d.f	R ²	R	مجموع مجزورات	مدل
.۰/۰۰۰۱	۷۴/۷۸۷	۴۴۵/۵۹۵	۱	.۰/۱۷۷	.۰/۴۲۱	۴۴۵/۵۹۵	گام اول
		۵/۹۵۸	۳۴۷			خطا	روان رنجور
			۳۴۸			کل	خوبی
.۰/۰۰۰۱	۶۴/۲۵۷	۳۴۰/۳۱۳	۲	.۰/۲۷۱	.۰/۵۲۰	۶۸۰/۶۲۶	گام دوم
		۵/۲۹۶	۳۴۶			خطا	روان رنجور
			۳۴۸			کل	خوبی سلامت خانواده

جدول ۵: نتایج ضرایب رگرسیون جهت پیش‌بینی نگرش به رفتارهای بزهکارانه

متغیر	B	خطای معیار	Beta	آماره‌ی t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۵۹/۴۳۹	۲/۲۲۲		۲۶/۷۵۳	.۰/۰۰۰۱
روان رنجور خوبی	۰/۴۳۳	۰/۰۴۶	۰/۴۳۱	۹/۳۸۱	.۰/۰۰۰۱
سلامت خانواده	-۱/۱۱۱	۰/۰۱۷	-۰/۳۰۶	-۶/۶۶۲	.۰/۰۰۰۱

به منظور تعیین سهم متغیرهای پیش‌بین در تبیین واریانس نگرش به رفتارهای بزهکارانه در دانش‌آموزان از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شد. با توجه به یافته‌های جداول ۴ و ۵ نتایج نشان داد در گام اول روان رنجور خوبی همبستگی بالا و معناداری با نگرش به رفتارهای بزهکارانه دارد و ضریب t برای آن ۹/۳۸۱ است. در گام دوم سلامت خانواده وارد معادله شد که ضریب t برای آن -۶/۶۶۲ است و از نظر آماری نیز معنادار بود. در نهایت متغیرهای پیش‌بین در دو گام رگرسیون ۰/۲۷ از واریانس نگرش به رفتارهای بزهکارانه در دانش‌آموزان را به طور معنادار تبیین می‌کند.

ضریب بتا (β) نیز به عنوان مقیاسی از اهمیت نسبی متغیرها، کاربرد داشت. از این رو از مقایسه متغیرهای روان رنجور خوبی با مقدار بتای ۰/۴۳۱ و سلامت خانواده با مقدار بتای -۰/۳۰۶ می‌توان به اهمیت بیشتر متغیر روان رنجور خوبی در پیش‌بینی تغییرات واریانس نگرش به رفتارهای بزهکارانه نسبت به سلامت خانواده پی برد.

به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پیش‌بین با نگرش به رفتارهای بزهکارانه از روش همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی پیرسون که به نام های ضریب همبستگی گشتاوری و یا ضریب همبستگی مرتبه‌ی صفر نیز نامیده می‌شود. این ضریب به منظور تعیین میزان رابطه، نوع و جهت رابطه‌ی بین دو متغیر فاصله‌ای یا نسبی و یا یک متغیر فاصله‌ای و یک متغیر نسبی به کار برده می‌شود. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	سلامت خانواده	روان رنجور خوبی	برون‌گرایی	توافق‌پذیری	انعطاف‌پذیری	باوجدان بودن
نگرش به بزهکارانه	-.۰/۲۹۲**	.۰/۴۲۱**	-.۰/۲۴۳**	-.۰/۱۷۱**	-.۰/۱۱۰*	-.۰/۱۸۲**
سطح معناداری	.۰/۰۰۰	.۰/۰۰۰	.۰/۰۰۰	.۰/۰۰۱	.۰/۰۳۹	.۰/۰۰۱

فرضیه اول: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و سلامت خانواده ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و سلامت خانواده ارتباط منفی و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). بر این اساس فرضیه اول تایید می‌شود. به عبارت دیگر هرچه فرد نمره کمتری در مقیاس سلامت خانواده گزارش کند، به مراتب نگرش مثبت تری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارد.

فرضیه دوم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و روان‌رنجور خویی ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که بین ویژگی شخصیت روان‌رنجور خویی و نگرش به رفتارهای بزهکارانه همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). بر این اساس فرضیه شماره دوم تایید می‌شود. به عبارت دیگر با افزایش نمره فرد در مقیاس روان‌رنجور خویی، فرد نگرش مثبت تری نسبت به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند.

فرضیه سوم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و برون‌گرایی ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و برون‌گرایی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. بر این اساس فرضیه سوم تایید می‌شود ($P < 0/01$). به عبارت دیگر هرچه فرد نمره کمتری در مقیاس برون‌گرایی گزارش کند، به مراتب نگرش مثبت تری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارد. همچنین هرچه نمره بیشتری در برون‌گرایی کسب کند، در برابر نمره کمتری در نگرش به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند.

فرضیه چهارم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و توافق‌پذیری ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و توافق‌پذیری ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. بر این اساس فرضیه چهارم تایید می‌شود ($P < 0/01$). به عبارت دیگر هرچه فرد نمره کمتری در مقیاس توافق‌پذیری گزارش کند، به مراتب نگرش مثبت تری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارد. همچنین هرچه نمره بیشتری در توافق‌پذیری کسب کند، در برابر نمره کمتری در نگرش به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند.

فرضیه پنجم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و انعطاف‌پذیری ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و انعطاف‌پذیری ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. بر این اساس فرضیه پنجم تایید می‌شود ($P < 0/05$). به عبارت دیگر هرچه فرد نمره کمتری در مقیاس انعطاف‌پذیری گزارش کند، به مراتب نگرش مثبت تری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارد. همچنین هرچه نمره بیشتری در انعطاف‌پذیری کسب کند، در برابر نمره کمتری در نگرش به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند.

فرضیه ششم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و وجدانی بودن ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و باوجدان بودن ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. بر این اساس فرضیه پنجم تایید می‌شود ($P < 0/01$). به عبارت دیگر هرچه فرد نمره کمتری در مقیاس باوجدان بودن گزارش کند، به مراتب نگرش مثبت تری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارد. همچنین هرچه نمره بیشتری در باوجدان بودن کسب کند، در برابر نمره کمتری در نگرش به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف ارتباط بین سلامت خانواده و صفات شخصیت با نگرش به رفتارهای بزهکارانه در نمونه‌ای از دانش‌آموزان شهرستان رشت انجام شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد در گام اول متغیر روان‌رنجور خویی همبستگی بالا و معناداری با نگرش به رفتارهای بزهکارانه دارد. در گام دوم سلامت خانواده وارد معادله شد و از نظر آماری نیز معنادار بود. در نهایت متغیرهای پیش‌بین در دو گام رگرسیون ۰/۲۷ از واریانس نگرش به رفتارهای بزهکارانه در دانش‌آموزان را به طور معنادار پیش‌بینی می‌کند. در ارتباط با عوامل پیش بین در گرایش به رفتارهای بزهکارانه در مطالعه‌ای حسینی دولت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که شاخص خودکارآمدی و سبک‌های فرزند پروری سهل‌گیرانه و استبدادی ۱۱ درصد از واریانس نگرش مثبت به بزهکاری را به طور معناداری پیش‌بینی می‌کنند. که بر اهمیت نقش خانواده در بکارگیری الگوهای تربیتی کارآمد در پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه دلالت دارد.

سل (۲۰۰۶)^۲ در مطالعه خود نتیجه گرفت که شخصیت، بسیاری از پیامدهای مهم زندگی مانند ارتکاب جرم و رفتارهای ضد اجتماعی را پیش بینی می‌کند. به طور خاص هیجان‌پذیری منفی بالا (گرایش به تجربه وضعیت‌های عاطفی اجتنابی) و فقدان بازداری رفتاری، رفتارهای ضد اجتماعی را در سطوح مقطعی و طولی پیش بینی می‌کند. هاندلیبی^۳ (۱۹۸۶) دریافت کرده است که برخی از صفات شخصیتی می‌تواند میزان استفاده از داروهای غیرمجاز را پیش بینی کند. همچنین بین سوء مصرف مواد و ارتکاب جرم نوجوانان و ویژگی هیجان‌خواهی شخصیت و نظارت والدین روابط معناداری را پیدا کردند. همچنین نقش سلامت خانواده اصلی در پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه در این پژوهش به اثبات رسید و می‌توان اینگونه گفت که اولین محیطی که زمینه بزهکاری را در فرد ایجاد می‌کند خانواده است. معمولاً بزهکاران از خانواده‌های آشفته و پاشیده بر می‌خیزند و جدایی و طلاق، الکلیسم، اعتیاد و بزهکاری در خانواده آنان شایع است (احمدی، ۱۳۸۷). چون خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که اولین رکن رشد و پرورش به شمار می‌رود، به همین دلیل هرگونه اختلالی در خانواده، در فرزندان نیز رسوخ می‌کند و موجبات انحراف آنها را از قوانین و مقررات فراهم می‌سازد (اکبری، ۱۳۸۷). بنابراین با داشتن یک خانواده سالم می‌توان جلوی خیلی از آسیب‌های اجتماعی را در نوجوانان گرفت.

در تبیین نتیجه فرضیه اصلی می‌توان اینگونه گفت، با توجه به اینکه در ادبیات تحقیق آراء و نظرات متفاوتی بر اهمیت متفاوت صفات شخصیت و سلامت خانواده در پیش بینی رفتارهای بزهکارانه وجود داشت، در این مطالعه با روش رگرسیون گام به گام مشخص گردید که صفات شخصیت و به ویژه در این پژوهش صفت شخصیت روان‌رنجوری خوبی قدرت بیشتری در پیش بینی رفتارهای بزهکارانه در دانش‌آموزان داشته است. سوال اینجاست که چرا صفات شخصیت در تبیین رفتار بزهکارانه نوجوانان اثر بیشتری نسبت به سلامت خانواده دارد؟ در پاسخ به این سوال می‌توان از تعریف صفات شخصیت بهره برد. در تعریف صفات شخصیت بر الگوهای نسبتاً با دوام تأکید می‌شود و به این معناست که صفات شخصیت می‌تواند تاثیر ماندگار تری بر رفتار آینده فرد داشته باشد.

در مقابل سلامت خانواده یک محیط اکتسابی می‌باشد که نسبت به الگوهای انتسابی شخصیت نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کند. در دیدگاه آسیب‌شناسی ما با دو عامل روبه‌رو هستیم: ۱- عوامل خطر ۲- عوامل مراقبت‌کننده. عوامل خطر شامل کلیه عواملی می‌باشند که ایجاد یک آسیب را قوت می‌بخشند که مهم‌ترین آنها خلق و خو، صفات شخصیت، وراثت و ... می‌باشند و عوامل مراقبت‌کننده شامل کلیه عواملی می‌باشند که به نوعی از فرد را در برابر عوامل خطر محافظت می‌کنند و در مقابل عوامل خطر وجود دارند. این عوامل می‌تواند داشتن یک خانواده سالم، سبک فرزند پروری کارآمد در خانواده و حتی عوامل اجتماعی همچون وضع معیشتی خوب و کیفیت زندگی اجتماعی باشد. طبق این دیدگاه هر چند عوامل خطر وجود داشته باشند اما وجود عوامل مراقبت‌کننده می‌تواند اثر آنها را به حداقل برساند.

در این پژوهش مشخص شد که عامل خطر صفت شخصیت روان‌رنجوری خوبی می‌تواند قدرت بیشتری در پیش بینی رفتارهای بزهکارانه در دانش‌آموزان داشته باشد و عامل مراقبت‌کننده سلامت خانواده در مرتبه دوم قرار دارد. بر این اساس لازم است که در جهت پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه بر عوامل مراقبت‌کننده توجه بیشتری شود.

۱. فرضیه اول: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و سلامت خانواده ارتباط معنادار وجود دارد.

نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و سلامت خانواده ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه افراد نمره کمتری در مقیاس سلامت خانواده اصلی گزارش کنند به همان اندازه نمره بیشتری در مقیاس نگرش به رفتارهای بزهکارانه گزارش کرده‌اند و بالعکس. با توجه به این نتایج فرضیه اول تأیید می‌شود. اگرچه در مطالعات پیشین به بررسی ارتباط بین سلامت خانواده و نگرش به رفتارهای بزهکارانه پرداخته نشده است اما در مطالعات مشابهی نتایج همسو با نتیجه بدست آمده است. در مطالعات پیشین نشان داده شده است که نگرش مثبت به رفتارهای بزهکارانه با شیوه تربیتی والدین مقتدر (حسینی دولت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲؛ فضل، ۱۳۸۹) در ارتباط می‌باشد، به عبارت دیگر هر چه والدین به شیوه مقتدرانه و منطقی با فرزندان خود رفتار کنند، فرزندان گرایش کمتری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارند.

^۲Cale

^۳Hundleby

والترز^۴ (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان داد که الگوی فرزندپروری قاطعانه و استدلالی از مهم‌ترین عوامل در پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان می‌باشد. نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که فرزندپروری قاطعانه مانع نفوذ همسالان بزهکار در فرزندان می‌شود. در تحقیق اتمیم و ایگودی^۵ (۲۰۱۳) مشخص شد که وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده و سطح تحصیلات والدین با بزهکاری در نوجوانان ارتباط معناداری دارد. در مطالعه دیگری نشان داده شد که هر چه محیط خانواده گرم‌تر و روابط افراد با یکدیگر بهتر و صمیمانه‌تر باشد، فرزندان کمتر به سمت رفتارهای بزهکارانه گرایش پیدا می‌کنند (کسیدی^۶، ۲۰۱۱). در تحقیقی دیگر جاثو^۷ و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که خانواده و همین‌طور گروه همسالان بزهکار، می‌توانند تاثیر قابل توجهی بر بزهکاری داشته باشند. به طوری که گروه همسالان بزهکار تأثیری مثبت بر افزایش بزهکاری دارد، ولی خانواده در کاهش تاثیر گروه همسالان بزهکار، ایفای نقش می‌کند و بر کاهش بزهکاری تاثیر مثبت دارد. انواماکا^۸ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای که انجام داد، دریافت که والدینی که بر فعالیت‌های فرزندان‌شان به طور منطقی نظارت می‌کنند و به فرزندان‌شان اجازه می‌دهند که مستقل بودن در انتخاب و انجام کارها را بیاموزند و عملی کنند، بهترین و بیشترین تاثیر مثبت را بر رفتار فرزندان خود می‌گذارند. برعکس، والدینی که نسبت به امور تربیتی فرزندان‌شان بی توجه هستند و خود را در برابر نیازهای طبیعی فرزندان‌شان مسئول نمی‌دانند، تأثیری منفی بر رفتار آنها می‌گذارند، که در نهایت ممکن است به رفتارهای خلاف و بزهکارانه منتهی شود. از آنجا که خانواده نخستین گروهی است که به صورت طبیعی وجود داشته و جامعه بر آن بنا شده است، چگونگی و کیفیت عملکرد در خانواده در تحقق وظایف شاخص مناسی جهت ارزیابی عملکرد جامعه می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۶). در تبیین یافته‌های فوق می‌توان این چنین استدلال کرد که طبق دیدگاه تربیتی، خانواده مهم‌ترین کانون رشد و پرورش انسان قلمداد می‌شود. اهمیت خانواده به اندازه‌ای است که بسیاری از مشاوران و صاحب نظران علوم رفتاری به این موضوع مهم پرداخته‌اند. هر چه خانواده از سطح سلامت بیشتری برخوردار باشد، می‌تواند بستر مناسب‌تری برای رشد فرزندان فراهم آورد و در مقابل هر چه خانواده آشفتنه و از هم گسیخته باشد، به مراتب عملکرد آن مختل شده و بستر نامناسی جهت رشد فرزندان می‌باشد و گرایش به رفتارهای بزهکارانه، اعتیاد و ... از جمله آسیب‌هایی می‌باشد که فرزندان اینگونه خانواده‌ها را تهدید می‌کند. خانواده اولین و مهمترین نهادی است که سهم عمده‌ی در پرورش و فراگیری رفتارهای پسندیده نوجوان دارد. ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، اعمال و گفتار والدین و اعضای موثر خانواده تأثیر مستقیمی بر فرآیند رشد و آینده فرزندان‌شان دارد. زمانی که بچه‌ها الگوها، باورها و اعتقادات منطقی و سالمی از زندگی داشته باشند، به راحتی می‌توانند در برابر دشواری‌ها و نابسامانی‌های گوناگون ایستادگی کنند و سر تسلیم فرود نیاورند.

۲. فرضیه دوم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و روان‌رنجور خویی ارتباط معنادار وجود دارد.

نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که بین ویژگی شخصیت روان‌رنجور خویی و نگرش به رفتارهای بزهکارانه همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد، بر این اساس فرضیه شماره دوم تأیید می‌شود. به عبارت دیگر با افزایش نمره فرد در مقیاس روان‌رنجور خویی، فرد نگرش مثبت تری نسبت به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند.

این نتیجه با نتیجه‌ی محققانی همچون آچنیچ^۹ و همکاران (۱۹۸۱)، هریس^{۱۰} و همکاران (۱۹۹۵)، بردبار (۱۳۷۵)، زیاد پور اصل (۱۳۷۷)، خوش روز حسین آبادی (۱۳۷۷)، احمدی (۱۳۸۶) و احمدی و کونانی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. در مقابل با مطالعه منصوری و همکاران

^۴Walters

^۵Etima & Egodi

^۶Cassidy

^۷Gao

^۸Nwamaka

^۹Achenbach

^{۱۰}Harris

(۱۳۹۳) ناهمسو می‌باشد، وی در مطالعه خود نشان داد که بین نگرش منفی به بزهکاری با ویژگی شخصیت روان‌رنجوری خوبی همبستگی مثبت وجود دارد؛ در واقع نگرش منفی به بزهکاری نقطه مقابل نگرش به رفتارهای بزهکارانه می‌باشد.

در تبیین نتایج می‌توان اینگونه استدلال نمود که وسواس، افسردگی، اضطراب و ضعف در اعتمادبه‌نفس از علائم شخصیت روان‌رنجور خوبی می‌باشد. ظهور این علائم در فرد، رفتار وی را تحت الشعاع قرار داده و باعث اختلال در عملکرد او شده و انطباق او را با محیط دچار مشکل می‌کند. دیوید ایراگیمیس^۱ بیان می‌کند: بزهکاری نوجوانان علل پیچیده‌ای دارد و از بیماری‌های روانی به مفهوم وسیع آن و بیماری‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد که برخی از آنها شامل: روان‌نژندی و برخی دارای علائم مقدماتی روان‌پریشی هستند. عده‌ای از ترس‌های بی‌اساس رنج می‌برند و عده‌ای نیز دچار نارسایی‌های هوشی هستند. کاین برگ^۲ نیز بزهکاری را نتیجه برخی از خصایص زیستی فردی می‌داند که در آن آدمی خود را ناگزیر می‌بیند که در مقابل محرک‌های خارجی محیط، عکس‌العملی مغایر با وضع عادی نشان دهد (مجدفر، ۱۳۹۱).

در تحلیل دیگر می‌توان این چنین گفت: مشخصه بارز روان‌رنجوری، بروز پاسخ‌های هیجانی از سوی فرد و اضطراب شدید در وی است. این اختلال، غالباً توانایی‌های شناختی فرد را با اختلال مواجه می‌سازد. فردی که از شخصیت روان‌رنجور برخوردار است، بستگی به میزان غالب بودن این صفت دارای شخصیت بی‌ثبات بوده و رفتارهای بزهکارانه و ضداجتماعی از خود نشان می‌دهد.

۳. فرضیه سوم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و برون‌گرایی ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و برون‌گرایی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. بر این اساس فرضیه سوم تایید می‌شود. به عبارت دیگر هرچه فرد نمره کمتری در مقیاس برون‌گرایی گزارش کند، به مراتب نگرش مثبت تری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارد. همچنین هرچه نمره بیشتری در برون‌گرایی کسب کند، در برابر نمره کمتری در نگرش به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند. در ارتباط با ویژگی شخصیت برون‌گرایی در مطالعه‌ای که توسط احمدی و کونانی (۱۳۸۹) انجام شد، نتایج نشان داد که پسران نوجوان غیربزهکار، به طور معناداری برون‌گراتر از پسران نوجوان بزهکار بودند. همچنین نتایج مطالعه حاضر با مطالعات بردبار (۱۳۷۵)، احمدی (۱۳۸۶)، مشهدی فراهانی (۱۳۷۰) و منصوری و همکاران (۱۳۹۳) همسو می‌باشد.

در مقابل دیدگاه متفاوتی وجود دارد؛ برونگرایی به سطح فعالیت، اجتماعی‌پذیری و سلطه‌گری اشاره دارد و با رفتارهای: برونی‌سازی و بزهکاری در میان نوجوانان پسر ارتباط مثبت دارد (جان و همکاران، ۱۹۹۴) با این حال وجود همبستگی مثبت معنادار بین برون‌گرایی با عواطف مثبت و ملایمت، می‌تواند رابطه مثبت بین برون‌گرایی و بزهکاری را مورد تردید قرار دهد و آن را نیازمند تبیینی موشکافانه تر کند؛ شاید در این زمینه بتوان گفت که ملایمت و عواطف مثبت به اشخاص برون‌گرا در مقایسه با درون‌گرایان کمک می‌کند که دارای شبکه روابط فردی گسترده تری شوند و بر این اساس بتوانند به طور ماهرانه شبکه‌ای از حمایت اجتماعی را برای خود مهیا کنند و در کنار ویژگی سلطه‌گری خود بتوانند دیگران را با خود هم‌نوا و هم‌صدا سازند؛ موضوعی که در نوجوانان سردسته گروه‌های خلافکار دیده می‌شود (به نقل از حسین‌خانزاده و طاهر، ۱۳۹۳).

آیزنک معتقد بود که تفاوت‌های اصلی بین درون‌گرایی و برون‌گرایی، رفتاری نیست، بلکه زیستی و ژنتیکی است و علت اصلی آن در سطح انگیزشی مغزی آنها است. افراد برون‌گرا بر خلاف افراد درون‌گرا، سطح انگیزشی مغزی پایینتر و آستانه حسی بالاتر دارند، به تحریک حسی واکنش کمتری نشان می‌دهند و به خاطر پایین بودن سطح برانگیزشی مغزیشان به تحریک نیاز دارند و به طور فعال آنرا می‌جویند و در نتیجه افراد برون‌گرا به سمت رفتارهای بزهکارانه گرایش بیشتری دارند (آیزنک و آیزنک، ۱۹۸۵، به نقل از حسین‌خانزاده و طاهر، ۱۳۹۳).

در تبیین می‌توان اینگونه استدلال کرد که شاخص‌هایی همچون عواطف مثبت و ملایمت از ویژگی‌های افراد برون‌گرا می‌باشد و از جمله مصادیق سلامت روانشناختی در افراد است که از عوامل پیشگیرانه از رفتارهای بزهکارانه در افراد به حساب می‌آید. افراد هنجارمند از شاخص‌های مثبت برون‌گرایی برخوردار هستند و با افراد جامعه دارای یک ارتباط سازنده همراه با ملایمت و همدلی می‌باشند، بر این اساس هر چه افراد نمره بالاتری در برون‌گرایی کسب کنند در برابر، دیدگاه منفی تری نسبت به رفتارهای بزهکارانه دارند، زیرا انجام رفتارهای

^۱Daivid Iragimes

^۲Olafkinberg

بزهکارانه به نوعی خلاف عواطف مثبت آنها می‌باشد. اما این تبیین به طور کامل قابل تعمیم نمی‌باشد، بلکه لازم است در کنار ویژگی شخصیت برون‌گرایی صفات شخصیت دیگر آنها مورد بررسی قرار گیرد.

۴. فرضیه چهارم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و توافق‌پذیری (خوشایندی) ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و توافق‌پذیری ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. بر این اساس فرضیه چهارم تایید می‌شود. به عبارت دیگر هرچه فرد نمره کمتری در مقیاس توافق‌پذیری گزارش کند، به مراتب نگرش مثبت تری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارد. همچنین هرچه نمره بیشتری در توافق‌پذیری کسب کند، در برابر نمره کمتری در نگرش به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند. نتیجه مطالعه حاضر با مطالعات بردبار (۱۳۷۵)، احمدی (۱۳۸۶)، مشهدی فراهانی (۱۳۷۰)، ایروانی و اردلان (۱۳۸۹)، منصوری و همکاران (۱۳۹۳)، آربوتنات و گوردون^{۳۳} (۱۹۸۵)، اسپواک^{۳۴} و همکاران (۱۹۷۶)، استینر^{۳۵} و همکاران (۱۹۹۹)، آجنو^{۳۶} و همکاران (۲۰۰۲)، ووقن^{۳۷} و همکاران (۲۰۰۸) و چابرو^{۳۸} و همکاران (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

جان^{۳۹} و همکاران (۱۹۹۴) معتقد بودند که توافق‌پذیری که به مهربانی، مؤدب بودن و قابل اعتماد بودن اشاره دارد، با رفتارهای مخاطره آمیز و بزهکارانه در میان جوانان رابطه معکوس دارد. با توجه به اینکه مهربانی، عطوفت، احترام و ادب از فضایل و جنبه‌های مثبت شخصیت یک فرد می‌باشد با اقدام به رفتارهای جامعه ستیز و بزهکارانه در تضاد می‌باشد. در تبیین می‌توان اینگونه استنباط نمود که در واقع خوشایندی بعدی از تمایلات بین فردی است و فرد با این ویژگی اساساً نودوست و سازش‌یافته است و نسبت به دیگران همدردی می‌کند و مشتاق است که کمک کند و باور دارد که دیگران نیز در مقابل، یاریگر هستند. بنابراین بروز رفتارهای پرخاشگرانه و بزهکارانه از این افراد بعید است (حسین‌خانزاده و طاهر، ۱۳۹۳). گرایش به رفتارهای بزهکارانه با گرایش به نوع دوستی و رابطه دوستانه با افراد در تضاد می‌باشد. بر این اساس هر چه فرد توافق‌پذیری بالاتری داشته باشد و از نوع دوستی بالاتری برخوردار باشد، تمایل بیشتری به برقراری ارتباط دوستانه و مسالمت آمیز با افراد دارد و در مقابل کمتر به رفتارهای بزهکارانه گرایش پیدا می‌کند. بر این اساس می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که وجود صفات شخصیتی که در حیطه توافق‌پذیری قرار دارند (همچون: نوع دوستی، ملایمت، صداقت و ...) همه در جهت رشد کمالات انسانی می‌باشند و در گرایش افراد به رفتارهای بزهکارانه در تضاد می‌باشند و مانع افراد به اقدامات ناخوشایند می‌باشند.

۲-۵-۵ فرضیه پنجم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و انعطاف‌پذیری ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و انعطاف‌پذیری ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. بر این اساس فرضیه پنجم در جهت یک رابطه معکوس تایید می‌شود. به عبارت دیگر هرچه فرد نمره کمتری در مقیاس انعطاف‌پذیری گزارش کند، به مراتب نگرش مثبت تری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارد. همچنین هرچه نمره بیشتری در انعطاف‌پذیری کسب کند، در برابر نمره کمتری در نگرش به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند. نتایج مطالعه حاضر با مطالعات احمدی (۱۳۸۶)، مشهدی فراهانی (۱۳۷۰) و منصوری و همکاران (۱۳۹۳)، آربوتنات و گوردون^{۴۰} (۱۹۸۵)، آجنو^{۴۱} و همکاران (۲۰۰۲)، ووقن^{۴۲} و همکاران (۲۰۰۸) و چابرو^{۴۳} و همکاران (۲۰۰۹) نا

^{۳۳}Arbthnot & Gordon

^{۳۴}Spivack

^{۳۵}Steiner

^{۳۶}Agnew

^{۳۷}Vaughn

^{۳۸}Chabrol

^{۳۹}John

^{۴۰}Arbthnot & Gordon

همسو می‌باشد. به عبارتی، در مطالعات پیشین وجود یک همبستگی مثبت مشاهده شده است. در واقع این پژوهشگران اعتقاد بر این دارند که گشودگی نسبت به تجربه و انعطاف‌پذیری با تنوع طلبی، خلاقیت و جاه طلبی این افراد در ارتباط می‌باشد و وجود این ویژگی‌ها زمینه را مستعد رفتارهای ناپه‌نچار می‌کند.

در تبیین نتیجه مخالف پژوهش حاضر با مطالعات پیشین می‌توان اینگونه استدلال نمود در مدل پنج عاملی شخصیت اغلب این بعد را عقل نامیده اند و نمرات انعطاف‌پذیری با آزمون و نمرات هوش هم بسته است. انعطاف‌پذیری مخصوصا با جنبه‌های مختلف هوش چون تفکر واگرا که عامل در خلاقیت می‌باشد، مربوط است (مک کری، ۱۹۸۷). بر این اساس می‌توان گفت که همین تفکر مانع از مشارکت افراد در گرایش به رفتارهای بزهکارانه می‌شود. اما انعطاف‌پذیری مترادف با هوش نیست. برخی اشخاص خیلی با هوش در مقابل تجربه بسته هستند، متقابلا برخی اشخاص خیلی انعطاف‌پذیر ظرفیت هوش خیلی محدود دارند. افرادی که نمره‌ی پایینی در انعطاف‌پذیری می‌گیرند متمایل اند که رفتار متعارف داشته و جایگاه خود را حفظ نمایند. این افراد تازه‌های آشنا تر را ترجیح می‌دهند و پاسخ‌های عاطفی آنان خیلی محدود است (مک کری و کاستا، ۱۹۸۷). انعطاف‌پذیری زمینه را برای پذیرش رفتارهای مختلف در فرد آماده می‌کند. هر چه فرد منعطف‌تر باشد خیلی راحت‌تر می‌تواند خود را با شرایط جدید وفق دهد و دست به رفتارهای مختلف بزند. رفتارهای بزهکارانه می‌تواند با برخی از هیجانانگیز و جذابیت‌ها همراه باشد و هر چه فرد منعطف‌تر باشد پذیرش انجام آن رفتارها می‌تواند آسان‌تر صورت گیرد. در مقابل این امکان نیز وجود دارد که انعطاف‌پذیری پذیرش انجام رفتارهای سازنده‌ای در فرد میسر کند. بر این اساس به نظر می‌رسد که متغیرهای میانجی می‌توانند نقش تعدیل‌کننده‌ای بین گرایش به بزهکاری و بعد انعطاف‌پذیری در افراد داشته باشند. بر این اساس می‌بایست مطالعات گسترده‌تری در این زمینه انجام شود تا بتوان به نتایج و تبیین‌های آزموده شده استناد نمود.

۶. فرضیه ششم: بین نگرش به رفتارهای بزهکارانه و وجدانی بودن ارتباط معنادار وجود دارد.

نتایج نشان داد که بین نگرش مثبت به انجام رفتارهای بزهکارانه و باوجدان بودن ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. بر این اساس فرضیه ششم تایید می‌شود. به عبارت دیگر هرچه فرد نمره کمتری در مقیاس باوجدان بودن گزارش کند، به مراتب نگرش مثبت تری به انجام رفتارهای بزهکارانه دارد. همچنین هرچه نمره بیشتری در باوجدان بودن کسب کند، در برابر نمره کمتری در نگرش به رفتارهای بزهکارانه گزارش می‌کند. نتیجه مطالعه حاضر با مطالعات بردبار (۱۳۷۵)، احمدی (۱۳۸۶)، مشهدی فراهانی (۱۳۷۰)، ایروانی و اردلان (۱۳۸۹)، منصوری و همکاران (۱۳۹۳)، آربوتنات و گوردون^{۴۴} (۱۹۸۵)، اسپیواک^{۴۵} و همکاران (۱۹۷۶)، استینر^{۴۶} و همکاران (۱۹۹۹)، آجنو^{۴۷} و همکاران (۲۰۰۲)، ووقن^{۴۸} و همکاران (۲۰۰۸) و چاپرول^{۴۹} و همکاران (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

^۴Agnew

^۴Vaughn

^۴Chabrol

^۴Arbothnot & Gordon

^۴Spivack

^۴Steiner

^۴Agnew

^۴Vaughn

^۴Chabrol

در تبیین می‌توان گفت، بررسی رابطه‌ی بین صفات شخصیت و نگرش به بزهکاری نشان داد که بر اساس وجدانی بودن و میتوان نگرش منفی به بزهکاری را پیش‌بینی کرد. در توجیه این یافته می‌توان گفت که افراد وجدانی با ویژگی‌هایی مانند نظم و ترتیب، محتاط بودن، تمایل به پیشرفت و خویشتنداری مشخص می‌شوند. افرادی که در این عامل، نمره‌های بالایی به دست می‌آورند رفتارهای مخاطره‌آمیز کمتر و موفقیت‌های اجتماعی بیشتری از خود نشان می‌دهند.

همچنین براساس نظریه‌ی گاف وظیفه‌شناسی، مسئولیت‌پذیری، قابلیت اعتماد، عمل بر اساس نظم و مقررات و اعتقاد بر این که عقل و دلیل باید بر زندگی مسلط باشد از ویژگی‌های شخصیتی نسبتاً پایدار میان‌فردی و درون‌فردی است. گاف معتقد است که گرچه مسئولیت‌پذیری تا اندازه‌ای با مردم آمیزی و خویشتنداری همبسته است اما باید بر ارزشها و کنترل‌ها که عوامل مشخص و مهمی در زندگی افراد است تاکید نمود. فردی که دارای احساس مسئولیت بالایی است نیازهای خود را در راه نیازهای جمع فدا می‌کند. این قبیل افراد، پیامدهای رفتارهای خود را می‌پذیرند و قابل اعتماد و اطمینان هستند. نسبت به ساختارهای اجتماعی احساس تعهد کرده و اگر چه لزوماً رهبر نیستند اما درستکار بوده و به عهد خود وفا می‌کنند. طبق دیدگاه گاف، افراد جامعه ستیز افراد مسئولی نیستند چون مدام متوجه نیازهای خود هستند، اما افرادی که دارای مشاغلی هستند که مستلزم رفتار مسئولانه و توأم با وظیفه‌شناسی است، افراد مسئولیت‌پذیری میباشند. گاف معتقد است که فرد مسئول به ارزشهای اجتماعی و اخلاقی و مدنی پایبند است (گورس - مارنات، ۲۰۰۹).

تعدادی از تئوری‌های شخصیت بخصوص تئوری روان‌پویایی به کنترل تکانه‌ها توجه دارند در طول دوره رشد اغلب افراد یاد می‌گیرند که چگونه با آرزوهایشان کنار بیایند و ناتوانی در جلوگیری از تکانه‌ها و وسوسه‌ها کلاً نشانه‌ای از بالا بودن روان‌رنجوری در میان بزرگسالان است. کنترل خود همچنین می‌تواند به مفهوم قدرت طرح‌ریزی خیلی فعال، سازماندهی و انجام وظایف محوله به نحو مطلوب نیز می‌باشد. تفاوت‌های فردی در این مورد اساس وجدانی بودن است. فرد با وجدان هدفمند، با اراده و فهیم می‌باشد. افراد موفق موسیقی‌دانان بزرگ و ورزشکاران به نام، این صفات را در حد بالا دارند (دیکمن و تا کو هوتوپوک، ۱۹۸۱). بر این اساس به نظر می‌رسد هر چه فرد از شخصیت وجدانی بودن بیشتر برخوردار باشد، توانایی بیشتری در کنترل تکانه‌ها دارد و در نتیجه میل و گرایش فرد به سوی رفتارهای بزهکارانه کنترل میشود و کمتر مرتکب رفتارهای بزهکارانه می‌شود. از جمله محدودیت‌های پژوهش عبارتند از: در این پژوهش صرفاً از پرسشنامه‌های خود گزارش دهی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. به همین خاطر، ممکن است در اطلاعات به دست آمده سوگیری تک روشی ایجاد شده باشد. محدود کردن متغیرهای پیش بین به متغیرهای سلامت خانواده و صفات شخصیت از جمله محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌باشد. عدم توجه به پیشینه فردی و خانوادگی دانش‌آموزان در زمینه ارتکاب جرم و بزهکاری از جمله محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌باشد. در نهایت پیشنهاد می‌شود که در جهت پیش بینی رفتارهای بزهکارانه، علاوه بر صفات شخصیت و سلامت خانواده به عوامل جمعیت‌شناختی همچون سطح تحصیلات خانواده، محل سکونت و هم‌نشینی با دوستان منحرف توجه شود. به منظور بررسی دقیق‌تر نقش صفات شخصیت بر اقدام جوانان به رفتارهای بزهکارانه به بررسی این متغیر در جوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت پرداخته شود و صرفاً بر نگرش به رفتارهای بزهکارانه تمرکز نشود. از آنجا که ارتقاء سلامت خانواده و شناخت ابعاد شخصیت نابهنجار به عنوان متغیرهایی شناخته می‌شود که خود می‌تواند آموزش داده شوند، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی اثربخشی آموزش ارتقاء سلامت خانواده و آشنایی بر ابعاد نابهنجار شخصیت بر سایر متغیرهای مرتبط (مانند سلامت روان، ارتقاء کیفیت زندگی و ...) مورد آزمون قرار گیرد. به منظور پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان به بحث آموزش‌های خانواده و فرزندپروری توجه شود. با توجه به اینکه صفات شخصیت در نگرش نوجوانان به انجام رفتارهای بزهکارانه موثر می‌باشد، پیشنهاد می‌شود در درمان بزهکارانه به نقش ویژگی‌های شخصیت توجه شود.

منابع

۱. اتکینسون، ریتال ال. (۱۳۸۱). زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه‌ی دکتر محمد نقی براهنی و دیگران، چاپ سیزدهم، تهران: رشد
۲. احمدی، سید احمد. (۱۳۸۶). روانشناسی نوجوانان و جوانان، اصفهانی: انتشارات مشعل.

۳. احمدی، حبیب، کونانی، سلما. (۱۳۸۹). اوصاف و ویژگی های شخصیتی نوجوانان پسر بزهکار. فصلنامه تعالی حقوق، ۲ (۷)، ۹۹-۱۱۵.
۴. اصغری، فرهاد، صادقی، عباس، قاسمی، رضا، درگاهی، شهریار. (۱۳۹۴). نقش نظارت والدینی و خودکارآمدی در هم نشینی با همسالان بزهکار و رفتارهای پرخطر دانش آموزان دبیرستانی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۶ (۲)، ۳۴-۴۸.
۵. اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران: نشر رشد و توسعه.
۶. بردبار، غلامرضا. (۱۳۷۵). بررسی صفات شخصیت و جمعیت شناختی مجرمین زندان مرکزی اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان.
۷. برک، لورا. (۱۳۹۱). روانشناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی). جلد دوم. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران.
۸. حسین خانزاده، عباسعلی. طاهر، محبوبه. (۱۳۹۳). مطالعه تحلیلی ویژگی های شخصیتی نوجوانان بزهکار. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۵ (۹)، ۳۱-۵۳.
۹. حسینی، فاطمه. سعادت، سجاد. قاسمی جوبنه، رضا. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش آموزان. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴ (۲)، ۶۷-۸۸.
۱۰. دلاور، علی. (۱۳۹۱). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، ویرایش، تهران.
۱۱. دلاور، علی. (۱۳۹۳). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، رشد.
۱۲. روزن باوم، هایدی. (۱۹۷۳). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه. ترجمه محمد صادق مهدوی، چاپ اول، ۱۳۶۷، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۳. زیادپور اصل، زهرا. (۱۳۷۷). بررسی میزان درونگرایی- برونگرایی بین نوجوانان بزهکار و عادی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران.
۱۴. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران. نشر سروش.
۱۵. صادقی فرد، مهدی. (۱۳۸۹). عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، ۵ (۱۶)، ۸۵-۱۱۴.
۱۶. صدیق، رحمت الله. (۱۳۶۷). تحلیل نظریه های مربوط به کجروی های اجتماعی. فصلنامه علمی و پژوهشی دانشکده علوم تربیتی، ۱۱ (۱-۲)، ۶۶-۵۵.
۱۷. فضلی، وحید. (۱۳۸۹). بررسی رابطه شیوه های تربیتی والدین و نگرش به رفتارهای بزهکارانه در بین نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر تهران. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۵ (۱۴)، ۷۹-۱۱۲.
۱۸. کرمی، الف. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی‌های روان سنجی و هنجاریابی مقیاس سطح سلامت خانواده اصلی، پژوهش های مشاوره، ۱۰ (۳۸)، ۱۰۳-۱۱۸.
۱۹. گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). چاپ اول. تبریز: نشر دانیال و جامعه پژوه.
۲۰. گیدنز، انتونی. (۱۳۸۶). جامعه شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
۲۱. محمدی اصل، علی. (۱۳۸۴). بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، انتشارات علم، تهران.
۲۲. مشکانی، محمد رضا. مشکانی، زهرا سادات. (۱۳۸۱). سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان. *مجله جامعه شناسی ایران*، ۴ (۲)، ۳-۲۵.
۲۳. مشهدی زاده، محمد. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین کارایی خانواده و سلامت عمومی فرزندان در دانشجویان بومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، پایان نامه کارشناسی ارشد، (چاپ نشده)، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۲۴. منصوری، زهرا، موسوی نسب، سیدمحمدحسین، شمس الدینی لری، لطیفه. (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای تاب آوری در رابطه بین صفات شخصیت با نگرش به بزهکاری، ۱۷ (۲)، ۱۱۰-۱۰۳.
۲۵. نیلفروشان، پریسا. عابدی، محمد رضا. احمدی، سید احمد. (۱۳۹۳). آسیب شناسی خانواده، دسته بندی و ارزیابی، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.

۲۶. Achenbach, T. M. (1991). *Integrative guide to the 1991 CBCL/4-1۸, ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ profile*. Burlington VT: University of Vermont, Department of Psychology.
۲۷. Achenbach, T. M. (2011). *School-age (age 6-۱۸) ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱: Empirically based syndroms scales*. Retrieved from: Achenbach System of Empirically Based Assessment.
۲۸. Achenbach, T. M., McConaughy, S. H., & Howell, C. T. (1987). Child/adolescent behavioral and emotional problems: implications of cross-informant correlations for situational specificity. *Psychological bulletin, 101*(2), 213.
۲۹. Agnew, R., Brezina, T., Wright, J. P., & Cullen, F. T. (2002). Strain, personality traits, and delinquency: Extending general strain theory. *Criminology, 40*(1), 43-7۲.
۳۰. Buehler, C. (1998). Inter-parental Conflict, Parent- child conflict. *Journal of Family, ۲۲*, ۶۵-۸۷.
۳۱. Chabrol, H., Van Leeuwen, N., Rodgers, R., & Séjourné, N. (2009). Contributions of psychopathic, narcissistic, Machiavellian, and sadistic personality traits to juvenile delinquency. *Personality and Individual Differences, 47*(7), 734-7۳۹.
۳۲. -Cheng, I. C. (2011). Attribution in Marriages. *Review And Critique, Psychological Bultan, 107*.
۳۳. Costa Jr, P. T., & McCrae, R. R. (1990). Personality disorders and the five-factor model of personality. *Journal of personality disorders, 4*(4), 362-۳۷۱.
۳۴. Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1980). Influence of extraversion and neuroticism on subjective well-being: happy and unhappy people. *Journal of personality and social psychology, 38*(4), 668.
۳۵. Costa, P. T., McCrae, R. R., & Holland, J. L. (1984). Personality and vocational interests in an adult sample. *Journal of Applied psychology, 69*(3), 390.
۳۶. Denham, S. A. (1999). Part I: The definition and practice of family health. *Journal of Family Nursing, 5*(2), 133-159.
۳۷. Groth-Marnat, G. (2009). Handbook of psychological assessment. John Wiley & Sons
۳۸. Hovestadt, A. J., Anderson, W. T., Piercy, F. P., Cochran, S. W., & Fine, M. (1985). A family-of-origin scale. *Journal of Marige & Family Therapy, 11*, 287-297.
۳۹. John, O. P., Caspi, A., Robins, R. W., Moffitt, T. E., & Stouthamer-Loeber, M. (1۹۹۴). The " little five": Exploring the nomological network of the five-factor model of personality in adolescent boys. *Child development, 160*-۱۷۸.
۴۰. Krejcie, R., & Morgan, D. (1970). Determining sample size for research activities, *Educational and Psychological Measurement, 30*, 607-610.

۴۱. Richmond, M., & Stocker, C. M. (2006). Associations between family cohesion and adolescent sibling externalizing behavior. *Journal of Family Psychology, 20(4)*, 663-669.
۴۲. Xiong, Z., & Haung, J. (2011). Predicting Hmong male and female youth delinquent behavior: an exploratory study. *Hmong studies journal, 12*, 1- 34.